

## اعتقاد به حجاب و نگرش‌های مربوط به آن

معصومه طالبی دلیر<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۰/۱۹

سیدمجتبی رضوی طوسی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۰۷/۲۵

### چکیده

در این مقاله به موضوع «اعتقاد به حجاب» و «نگرش‌های مربوط به آن» پرداخته شده است. در واقع، با انجام تحلیل ثانویه داده‌های یک نظرسنجی، «اعتقاد به حجاب» و «نگرش‌های مربوط به آن» بررسی گردید. روش این پژوهش تحلیل ثانویه است. در این مقاله داده‌های «طرح نظرسنجی از مردم تهران درباره نوع نگرش آنان به وضعیت حجاب و عفاف در جامعه» انجام شده در «پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات» مورد تجزیه و تحلیل مجدد قرار گرفت. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در واقع، این تحقیق در رهیافت تحلیلی و تکمیلی تحقیق پیشین انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد در میان افراد جامعه تحقیق، متغیر «اعتقاد به حجاب» در سطح بالا قرار دارد. ولیکن «میزان نگرش به مسئله حجاب به عنوان یک معضل» در سطح بالایی است. «میزان رضایت از موقعیت فعلی حجاب» نیز در سطح نسبتاً متوسط قرار دارد. همچنین افراد جامعه معتقدند میزان اثرگذاری «عوامل فرهنگی بیرونی بر حجاب» و «عوامل فرهنگی دورنی بر حجاب» هر دو در سطح متوسط هستند. **کلید واژه:** تحلیل ثانویه، حجاب، نگرش به حجاب.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱- masoumeh.talebidalir@gmail.com

۱- کارشناسی ارشد علوم اجتماعی پژوهشگری

۲- استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده صدا و سیما

## مقدمه

پوشش و حجاب همواره یکی از مسائل اساسی انسان است که چه برای زنان و چه برای مردان در سطح جامعه مطرح می‌گردد. حضور اجتماعی افراد باعث می‌شود موضوع حجاب به صورت مسئله‌ای ویژه با وسعت و گستردگی خاص بر مدیران و مسئولان جامعه حاکم شود، به طوری که می‌توان این موضوع را یکی از حساس‌ترین مسائلی دانست که جامعه فعلی ما اکنون با آن مواجه است. پدیده حجاب و پوشش از سه منظر دینی، هویتی و سیاسی قابل بررسی است؛ چرا که از یک سو این موضوع در دستور اکید و صریح دین مبین اسلام است و از سوی دیگر نماد فرهنگ و هویت ایرانی می‌باشد و به همین خاطر است که همواره ظرفیت سیاسی شدن را داشته است (محبوبی منش، ۱۳۸۶: ۹۳).

در واقع، تحقیق و تفحص در کتب فقهای مسلمان (اعم از سنی و شیعه) ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که حجاب به عنوان یک تکلیف شرعی و حکم الهی جایگاهی خاص و ویژه در شرع مقدس اسلام دارد؛ به گونه‌ای که اصل این حکم از ضروریات دین بوده و اختلاف تنها در جزئیات مسئله می‌باشد (غروی نائینی، ۱۳۸۶: ۱۱۹). قرآن مجید توصیه صریحی به حجاب زنان دارد. مفاد آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور که از آیات اصلی مربوط به تکلیف پوشش است، در واقع مربوط به وظایف زن و مرد در معاشرت با یکدیگر است (محبوبی منش، ۱۳۸۶: ۹۵). تاکید اسلام، قرآن و کتب فقهی بر حجاب، توجیه‌کننده ارزش و کرامت زن و اهمیت حفظ حیا و عفاف است و مشروعیت بخش این هنجار است که زنان در ارتباطات میان فردی باید حجاب را رعایت کنند (همان: ۹۷-۹۸).

همچنین اهمیت هنجاری، فرهنگی و ارزشی حجاب اسلامی در کشور ایران تا اندازه‌ای است که پس از انقلاب اسلامی، رعایت کامل حجاب اسلامی برای زنان الزامی و بی‌حجابی و بدحجابی جرم و مستوجب مجازات شلاق دانسته شد. در

سال ۱۳۷۵، با تصویب قانون تعزیرات، این مجازات به حبس یا جریمه نقدی تغییر کرد (وحدتی، ۱۳۸۵: ۱۷۵).

با توجه به اهمیت دینی، هویتی و سیاسی مسئله حجاب در جامعه ایران، بررسی «چگونگی اعتقاد به حجاب» و «نگرش‌های مربوط به آن» ضروری به نظر می‌رسد. به خصوص که جامعه ایران با تغییر ارزشی و فرهنگی در مورد حجاب و پوشش مواجه است و بسیاری از کارشناسان و متخصصان معتقدند عوامل متعدد درونی و بیرونی بر این جریان تاثیر داشته‌اند. بررسی این موضوع مهم است تا به شناخت از افکار عمومی مردم و تغییر و دگرگونی در باورها به ارزش‌ها و هنجارهای آنها دست یافت.

پس واضح است که هر گونه بررسی و تحلیل نگرش‌های مربوط به حجاب برای مسئولین، برنامه‌ریزان و متخصصان علوم اجتماعی باید از اهمیت خاصی برخوردار باشد. زیرا بدین وسیله می‌توان به شناخت نسبی از فرهنگ پوشش و ارزش‌ها و باورهای جامعه دست یافت، نیازهای جامعه را شناسایی کرد و تدابیر، سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های مناسب را برای دست یافتن به اهداف و الویت‌های ارزشی و فرهنگی جامعه اتخاذ نمود.

این مقاله به نوبه خود سعی دارد به سوال‌هایی در مورد «اعتقاد به حجاب» و «نگرش‌های مربوط به آن» به شرح زیر پاسخ دهد:

۱. وضعیت اعتقاد به حجاب در میان افراد جامعه تحقیق چگونه است؟
۲. افراد جامعه تحقیق وضعیت فعلی حجاب را چگونه ارزیابی می‌کنند؟
۳. آیا افراد جامعه تحقیق به جدایی حجاب و عفاف معتقد هستند؟
۴. نگرش افراد جامعه تحقیق در مورد عوامل موثر بیرونی و درونی حجاب چگونه است؟

۵. افراد جامعه تحقیق تا چه اندازه به لزوم اجبار اجتماعی برای حجاب معتقدند؟

۶. رابطه بین اعتقاد به حجاب و متغیرهای سن، جنس، تحصیلات و درآمد چگونه است؟

عالمان فقهی، جامعه‌شناسان و افراد جامعه به تعریف لغوی و مفهومی حجاب پرداخته‌اند. در این قسمت نظرات آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کلمه حجاب مصدر از ریشه (ح ج ب) است که اهل لغت تعاریف مختلفی برای آن ذکر کرده‌اند. در تعریف لغوی حجاب و با استفاده از فعل آن (حَجَبَ) بهتر است گفته شود: الحجاب کلّ ما حالّ بین شیئین. هر آنچه میان دو چیز حائل شود، حجاب است (غروی نائینی، ۱۳۸۶: ۱۱۵-۱۱۶).

به زعم استاد شهید مطهری، «حجاب» از نظر لغوی به معنای پوشیدن، پرده و پردگی است که استعمال آن درباره «پوشش زن»، در عصر حاضر شایع شده است و در واقع اصطلاح رایج فقهی آن یعنی کلمه «ستر» به معنی «پوشش» است (محبوبی منش، ۱۳۸۶: ۹۵).

در واقع، از نظر ریشه و ماده لغوی، حجاب لفظی عربی و پوشش کلمه‌ای فارسی است. اما این گونه نیست که بتوان پوشش را قائم‌مقام حجاب کرد و به جای آن به کار برد. چرا که بار معنایی حجاب اخص از پوشش است. به تعبیر دیگر هر پوششی حجاب نیست؛ بلکه پوشش خاصی که شرع حدود و شرایط آن را تبیین کرده و زنان را به رعایت آن فرا خوانده، مفهوم حجاب را شکل می‌دهد (غروی نائینی، ۱۳۸۶: ۱۲۶-۱۲۷). به عبارت دیگر «پوشش» یک مفهوم عام بوده و بیشتر مشتمل بر معنای شیء انگارانه است. مفهوم «حجاب» خاص بوده و پیچیده‌تر از پوشش است و ارزش‌ها و اصول اساسی مانند «ظاهر و باطن»، «محرم و نامحرم» و «خصوصی و عمومی» را در خود جای می‌دهد (یزدخواستی، ۱۳۸۶: ۴۵).

در یک نظرسنجی مشخص شد زنان مسلمان تعاریف متفاوتی از حجاب دارند. تعاریف اصلی آنها از حجاب شامل ۳ دسته می‌شود:

۱. پوشش فیزیکی برای سر که زیر گردن گره می‌خورد (روسری).
  ۲. لباس گشاد، معتدل (باحیا) و محجوب که بیشتر قسمت های بدن را می‌پوشاند و شامل روسری نمی‌شود.
  ۳. رفتار معتدل، خیره نشدن و حفظ عفت (یاسین، ۲۰۰۶، ۳).
- مفهوم حجاب با نگاه جامعه‌شناسی نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. حجاب به مثابه کنش اجتماعی است که فرد کنشگر برای آن معنایی ذهنی و ارزشی نمادین قائل است و عمل یا کنش او در ارتباط با دیگران در عرصه ارتباطات میان فردی<sup>۱</sup> و تحت تأثیر دریافت انتظارات دیگران در حوزه عمومی می‌باشد (محبوبی منش، ۱۳۸۶: ۹۶).

حجاب (پوشش) یک کنش اجتماعی است که مبتنی بر چهار لایه مفهومی اصلی است که عبارتند از: باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادها، به طوری که باورها، ارزش‌ها و هنجارها دارای وجوه ذهنی و اعتباری هستند که برای درک وضعیت عینی حجاب و تحلیل آن باید به آنها مراجعه و استناد کرد. بدین ترتیب که باورها (اعتقاد به هست‌ها و نیست‌ها) مشروعیت‌بخش ارزش‌ها (ملاک قضاوت درباره خوب‌ها و بد‌ها) و ارزش‌ها نیز توجیه‌کننده و مشروعیت‌بخش هنجارها (بایدها و نبایدها) و نمادها نیز نماینده و تجلی هنجارها هستند که در رفتار و کنش اجتماعی عینیت می‌یابند. از سوی دیگر رفتار و کنش اجتماعی به انضمام نمادهای مربوط به آن مشخص‌کننده هنجارها و هنجارها مشخص‌کننده ارزش‌ها و به همین ترتیب ارزش‌ها مشخص‌کننده باورها هستند (محبوبی منش، ۱۳۸۶: ۹۷-۹۸). در کنش اجتماعی حجاب، نیازها و انتظاراتی نهفته است. بدین ترتیب، حجاب و

موضوع‌های مشابه آن در بستر باورها، رفع نیازهای فرد، پاسخ به انتظارات جامعه و تحت تاثیر عوامل بیرونی اشکال خاص، متنوع و معنادار به خود می‌گیرد.

یکی از مسائل دینی که بسیار مورد توجه محققان علوم اجتماعی می‌باشد، جامعه‌پذیری دینی است. روشن است که اجتماعی شدن فرد طی فرآیند جامعه‌پذیری<sup>۱</sup> به وقوع می‌پیوندد. جامعه‌پذیری فرآیندی است که فرد طی آن با ارزش‌ها، عقاید، هنجارها، رسوم، آداب و شعائر جامعه خویش آشنا می‌شود و شیوه‌های زندگی اجتماعی را فرا می‌گیرد و به عنوان یک عضو، جامعه آمادگی عمل پیدا می‌کند. انسان‌ها در فرآیند جامعه‌پذیری، با درونی‌سازی<sup>۲</sup> ارزش‌ها و هنجارها یاد می‌گیرند که چگونه نیازهای زیستی - اجتماعی خود را به شیوه‌های قابل قبول برآورده سازند. نظم و ثبات در جامعه، ماحصل درونی‌سازی و عمل به این ارزش‌ها و دستورات فرهنگی است. همچنین، دوران نوجوانی و جوانی، مهم‌ترین و اثرگذارترین دوران شناخت و پذیرش این معیارها می‌باشد (زین‌آبادی، ۱۳۸۶: ۱۸۱). آشنایی فرد با معیارها، الگوها، آموزه‌ها و احکام دینی در فرآیند جامعه‌پذیری دینی وی انجام می‌شود. در این فرآیند، فرد با محتوا و معنای این معیارها آشنا شده و آنها را در موقعیت‌ها و تعاملات زندگی روزمره خود به کار می‌برد (همان: ۱۸۲). در حقیقت فرد پس از آشنایی و شناخت آموزه‌های دینی مثل حجاب و پوشش، آنها را به عنوان ارزش و باور می‌پذیرد و با درونی کردن این ارزش‌ها و باورها به عنوان یک شخصیت پایبند به اصول و احکام دینی و مقید به حجاب در جامعه حضور می‌یابد. بدین ترتیب می‌توان جامعه‌پذیری حجاب را نوع خاصی از جامعه‌پذیری دینی برشمرد که عوامل جامعه‌پذیرکردن آن خانواده،

1- Socialization  
2- Institutionalization

مدرسه و مراکز آموزشی، وسایل ارتباط جمعی، گروه همسالان، دولت و سازمان‌های سیاسی و نهاد روحانیت می‌باشد (همان: ۱۹۹-۲۰۰).

حجاب گویای انتخاب یک عقیده است. آدمی عقیده و مرام را با دو خصیصه شناخت و انتخاب برمی‌گزیند و با آن زندگی می‌کند و تمام رفتارهای خود را براساس آن شکل می‌دهد. هر قدر شناخت و اختیار انسان بیشتر باشد، عقیده و مرام او نیز پایدارتر است. حجاب نیز این چنین است، یعنی محصول شناخت و بینش‌هایی است که زن از هستی، انسان، روابط اجتماعی و چگونگی تکامل و رشد صحیح خود دارد و بدین باور رسیده است که با پوشش دادن به خود، سیر معنوی جامعه را سرعت می‌دهد. خداوند، عفاف و حیا را برای زن جزء خصلت و جودی او قرار داده است (علوی، ۱۳۸۶: ۶۵).

استاد شهید مطهری چهار اصل را به‌عنوان شاخصه‌های فلسفه حجاب مطرح می‌کند: آرامش روانی، استحکام پیوند خانوادگی، استواری اجتماع و ارزش و احترام به زن. وی اضافه می‌نماید که حجاب در اسلام از یک مسئله کلی‌تر و اساسی‌تر ریشه می‌گیرد و آن این است که اسلام می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی، چه بصری و چه لمسی و چه نوع دیگر، به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی، اختصاص یابد و اجتماع منحصراً برای کار و فعالیت باشد. برخلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذایذ جنسی به هم می‌آمیزد (علوی، ۱۳۸۶: ۶۷).

لازم به توجه است که موضوع پوشش یا به تعبیر مصطلح «حجاب» در همه جوامع بشری برای همه افراد جامعه و به‌ویژه قشر زنان جامعه ریشه دارد و از دستورالعمل‌های اصلی دین اسلام نیز هست. (آقایانی چاوشی، ۱۳۸۹: ۷۸). متأسفانه بعضی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نگرش‌های بعضاً نادرستی در مورد حجاب در جامعه ایران در حال شکل‌گیری است که در راستای تعالیم مذهبی و فرهنگ دینی

کشور ارزیابی نمی‌شود. برای مثال در پژوهشی که اکبر آقایانی‌چاوشی در سال ۱۳۸۹ انجام داده جوانان تا حدودی چادر را برای فعالیت‌های زنان محدودیت‌ساز می‌دانند، ولی میانسالان در حد کم آن را محدودیت تلقی می‌کنند. چنانچه این نگرش یا اعتقاد بر جامعه حاکم باشد که پوشش چادر مانع از فعالیت‌های اجتماعی زنان می‌شود و یا برای آنان محدودیت ایجاد می‌کند؛ در تضاد با ارزش‌های دینی خواهد بود. حاکم شدن این نگاه در جامعه نتیجه قصور و ناتوانی والدین در انتقال ارزش‌های دینی به فرزندان و فقدان برنامه‌های آموزشی - فرهنگی صحیح و کافی در نظام تربیتی و آموزشی است (همان: ۸۰).

از مفاهیمی که ملازم و همراه با حجاب به کار می‌رود و همواره در کنار آن دیده می‌شوند «عفاف» و «تبرج» است. «عفاف»، فضیلتی اخلاقی است که شکل‌گیری آن در درون آدمی موجب کنترل شهوات و تمایلات نفسانی می‌گردد (غروی نائینی، ۱۳۸۶: ۱۲۸). اگرچه در یک بینش سطحی، تلقی یکسانی از «حجاب» و «عفاف» وجود دارد. ولی عفاف به عنوان یک فضیلت اخلاقی متوجه نوع انسان بوده و جنسیت‌بردار نیست و به همهٔ زمان‌ها و مکان‌ها متعلق است، عرف نیز در تعیین حدود مرز آن تا اندازه‌ای دخالت دارد. حال آنکه حجاب تکلیفی شرعی است که مختص زنان بوده و تنها هنگام وجود نامحرم مصداق پیدا می‌کند؛ حدود مرز آن هم از سوی شرع به صورت واضح و متمایز بیان شده است و عرف جوامع در تعیین حد آن تأثیر ندارد (همان: ۱۳۵). «تبرج» نیز از مفاهیمی است که با حجاب در رابطه است. تبرج در لغت به معنای آراستن، آرایش کردن و آراسته بیرون آمدن است. ناگفته نماند که بعضی معتقدند که تبرج به زنان اختصاص ندارد و امروزه در میان مردان نیز به صورت نامطلوب و حتی زننده شیوع پیدا کرده است. تا آنجاکه بعضی از مردان با لباس‌های مبتذل و آرایش‌های زنانه، در کوچه و خیابان و اماکن عمومی حاضر می‌شوند (همان: ۱۳۳).



عوامل بدحجابی در جامعه اسلامی ایران را این گونه می‌توان قلمداد نمود: هجوم فرهنگ غرب و تلاش استعمار برای نابودی حجاب؛ اعتقاد به آزادی غلط و ناآگاهی از آزادی صحیح و معقول؛ اعتقاد به دست‌وپاگیر بودن حجاب برای کار و تلاش؛ پیروی از هوس‌های نفسانی و گذرانی بی‌قیدوبند؛ دگرگونی ارزش‌ها (اینکه شخصیت زن به آشکارنمودن زیبایی‌هایش می‌باشد)؛ پذیرش الگوهای دروغین و تقلید کورکورانه به دلیل جهل و عدم اعتماد به نفس و کمبود؛ و جایگزینی فرهنگ‌های بیگانه به جای اسلام، بی‌محتوایی و عدم استقلال فکری و ضعف تجزیه و تحلیل منطقی و سستی و سهل‌انگاری به دلیل ضعف اراده (علوی، ۱۳۸۶: ۶۸).

بسیاری از اندیشمندان معتقدند که کم‌توجهی به حجاب و عفاف و عوامل موثر بر آن در جامعه، زمینه‌ساز انحطاط است و آثار زیانبار فردی و اجتماعی به دنبال خواهد داشت (صفرزاده، ۱۳۸۹: ۶۲-۶۳). آثار و فرهنگ بی‌حجابی عبارتند از:

- احساس بیگانگی در برابر فرهنگ بومی ایران و پذیرش عناصر فرهنگی بیگانه،
- زمینه‌سازی گسترش ناهنجاری‌های اخلاقی،
- تضعیف اعتقادات و تقیدات دینی،
- بروز ناامنی،
- شروشگاه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- برهم زدن نظم در روابط جنسی،
- افزایش آزار جنسی،
- شیوع بیماری‌های جسمی مانند ایدز و ...،
- تزلزل بنیان خانواده (احمدی، ۱۳۸۹: ۹۸).

از بحث‌های بالا می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که نهادینه کردن فرهنگ حجاب به عنوان یکی از مهارت‌های اجتماعی باید مورد توجه مسئولین جامعه قرار گیرد.

پس، لازم است در این زمینه توجه همه جانبه به خود فرد، اثر خانواده، جامعه و مهم‌تر از همه آموزش و پرورش داشت (پیروانی نیا، ۱۳۸۹: ۱۰).

آشنا کردن کودکان و نوجوانان با معارف و ارزش‌های دینی و مذهبی یکی از اصول مهم تعلیم و تربیت اسلامی است که روزبه‌روز با گسترش زندگی اجتماعی، علمی و سیاسی، ضرورت آن بیشتر احساس می‌شود. بنابراین، یکی از محورهای مهم و اصلی تربیت باید عمق بخشیدن به آموزه‌های دینی در کودکان و نوجوانان باشد. قابل توجه است که درونی کردن ارزش‌های دینی و مذهبی بین دختران و زنان باعث می‌شود آنان در برابر این انحراف‌ها، بیشتر مقاومت کنند. مناسب‌ترین زمان برای درونی کردن ارزش‌های اسلامی و تربیت دینی فرزندان، دوره کودکی و نوجوانی است؛ زیرا روح آنان در این زمان انعطاف زیادی دارد که با بزرگتر شدن از این انعطاف کاسته می‌شود. با آموزش باورها و ارزش‌های دینی در دوران کودکی و نوجوانی نتایج مفید و موثری به دست می‌آید. یکی از روش‌های بسیار موثر در تربیت، تشویق کارهای خوب کودکان و نوجوانان است. تشویق، راهی مناسب در ایجاد انگیزه حفظ حجاب و عفاف می‌باشد. تشویق در روح آنان اثر می‌گذارد و آنها را برای انجام اعمال نیک برمی‌انگیزد. یکی دیگر از این شیوه‌ها روش الگویی است. در این روش فرد، از دیگران سرمشق و الگو می‌گیرد و از رفتار آنها پیروی نموده و خود را با آنها همساز می‌کند (خلجی، ۱۳۹۰: ۱۷۲-۱۷۳).

همان‌طور که مطرح شد خانواده، مدرسه و جامعه نقش مهمی در آموزش تعالیم مذهبی و دینی افراد جامعه به‌خصوص نوجوانان دارند. اما نقش خانواده از بقیه عوامل پررنگ‌تر است. در بررسی مینی<sup>۱</sup>، تحت عنوان «آموزش مذهبی و بحران تحصیلات» ملاحظه می‌شود که اعتقادات و باورهای مذهبی کودکان، بیش از آنکه

شناختی<sup>۱</sup> باشد و در مدرسه ساخته و پرداخته گردد، ارزشی و احساسی است و از مدت‌ها قبل (در خانواده) ایجاد شده است (زین‌آبادی، ۱۳۸۶: ۱۸۲). در تحقیق مشابهی، اسلامی ساراب (۱۳۷۸) به این نتیجه رسیده که خانواده‌ها در حفظ ارزش حجاب نقشی مؤثر دارند. همچنین پابندی خانواده‌ها به فرایض مذهبی و به‌کارگیری شیوه‌های مناسب رفتاری توسط مسئولین مدرسه و دوستان دانش‌آموزان در نگرش آنان نسبت به حجاب مؤثر می‌باشند (علوی، ۱۳۸۶: ۷۰). علاوه بر این در دیدگاه صاحب‌نظران در نگرش افراد جامعه در مورد حجاب موارد قابل توجهی وجود دارد. از جمله در تحقیقی که در سال ۲۰۰۶ انجام شد مردم دلایل پوشش حجاب را در منش‌های زیر می‌دانند:

- ۱- رفتاری از ایمان: بیشتر زنان این علت را به عنوان مهم‌ترین علت ذکر کرده‌اند. یعنی آنها برای حفظ عفت تسلیم دستورات خدا می‌شوند.
- ۲- انتظارات والدین و التزام دین بیشترین دلیل در میان زنانی است که از خانواده‌های مهاجر مذهبی هستند.
- ۳- فشار اجتماعی: بیشتر زنانی که در مناطق و حومه‌های مسلمان‌نشین ساکن هستند این فشار را احساس می‌کنند. در حقیقت این مناطق بر تصمیم‌گیری زنان برای پوشش حجاب تاثیر می‌گذارند. به خصوص به خاطر این تصور غلط که زنانی که چادر می‌پوشند، مذهبی‌تر هستند.
- ۴- هویت مذهبی: شخص در امور بزرگ‌تر مشارکت می‌کند. یعنی خود را متعلق به یک اجتماع وسیع می‌داند. این زنان همچنین خودشان را از دیگران به عنوان زنان مسلمان مقید متمایز می‌کنند. بنابراین در جریان مرزهای اجتماعی به وجود می‌آیند.
- ۵- اسلام مذهبی با اموری که دوستانه و وحدت‌بخش است، رابطه دارد. زنان مسلمان در محل کار به عنوان مامور رسمی دولت هستند و در محل کار با پوشش

اسلامی و عمل به هنجارهای اسلام بیشتر به هم پیوستگی پیدا می‌کند. بنابراین حجاب ظلم نیست. پس آنها سعی می‌کنند تعصب‌ها و پیش‌داوری‌های قدیمی موجود را بشکنند.

۶- آنها جنسیت و زنانگی‌شان را از طریق پوشش اسلامی اظهار می‌کنند (یاسین، ۲۰۰۶: ۴۳).

مسئله حجاب ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارد و دارای مؤلفه‌های مذهبی- معنوی، منزلتی، شخصیتی و رفتاری است که می‌توان از زوایا، پارادایم‌ها و منظرهای مختلف به آن نگریست (محبوبی‌منش، ۱۳۸۶: ۹۲). حجاب از دیدگاه جامعه‌شناسی به مثابه یک کنش اجتماعی است که فرد کنشگر برای آن معنای ذهنی و ارزشی نمادین قائل است و عمل یا کنش او در ارتباط با دیگران و تحت تأثیر دریافت انتظارات اجتماع می‌باشد. به علاوه، حجاب یک کنش اجتماعی است که مبتنی بر چهار لایه مفهومی اصلی است که عبارتند از: باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادها.

آشنایی فرد با پوشش و حجاب همانند معیارها، الگوها، آموزه‌ها و احکام دینی در فرآیند جامعه‌پذیری دینی وی انجام می‌شود. در این فرآیند، فرد با محتوا و معنای این معیارها آشنا شده و آنها را در موقعیت‌ها و تعاملات زندگی روزمره خود به کار می‌برد. همچنین، عوامل جامعه‌پذیری دینی و حجاب، خانواده، مدرسه و مراکز آموزشی، وسایل ارتباط جمعی، گروه همسالان، دولت و سازمان‌های سیاسی و نهاد روحانیت می‌باشد.

علاوه بر اینها، حجاب گویای انتخاب یک عقیده است. آدمی عقیده و مرام را با دو خصیصه شناخت و انتخاب برمی‌گزیند. هر قدر شناخت و اختیار انسان بیشتر شود، عقیده و مرام او نیز پایدارتر است.

همان‌طور که گفته شد مفاهیم دیگری که با حجاب ارتباط تنگاتنگ دارند «عفاف» و «تبرج» است. «عفاف» فضیلتی اخلاقی است که شکل‌گیری آن در درون آدمی موجب کنترل شهوات و تمایلات نفسانی می‌گردد و براساس عرف جامعه است. «تبرج» نیز به معنای آراستن، آرایش کردن و آراسته بیرون آمدن است و صرفاً به زنان اختصاص ندارد. چنانچه در جامعه مشاهده می‌شود برخی از افراد معتقدند حجاب و عفاف دو امر جدا از هم هستند و فقط به عفاف اعتقاد دارند و برخی دیگر این دو را با هم پیوسته می‌دانند و به هر دو ایمان دارند.

بر اساس بحث‌های گذشته، حجاب نه تنها مسئله‌ای ارزشی است بلکه پدیده‌ای با کارکرد اجتماعی مطلوب است. مفهوم حجاب، مفاهیمی همچون پوشش، عفت، حیا، پاکدامنی، حفظ حریم در روابط اجتماعی زن و مرد و ... را دربرمی‌گیرد و صرفاً مختص زنان نمی‌باشد. در دین اسلام توجه خاصی به حجاب شده است. در نتیجه، «اعتقاد به حجاب» دارای ابعاد گوناگون است که در این تحقیق به شش بعد «اعتقاد به حجاب» توجه شده است: اعتقاد به پوشش، اعتقاد به حجاب و عفاف برای مردان، حفظ حریم در روابط با جنس مخالف، حجاب به عنوان وظیفه شرعی، کارکردی بودن حجاب و ارزشمند بودن حجاب.

همچنین از بحث‌های نظری می‌توان به این نتیجه رسید که عوامل موثر بر حجاب، چگونگی وضعیت فعلی حجاب، چگونگی نگرش به آن، جامعه‌پذیری حجاب، پیامدهای بدحجابی، چگونگی برخورد با مسائل و مشکلات پیرامون حجاب و ... از مسائل مهم و قابل تامل مسئولین، برنامه‌ریزان و متخصصان علوم انسانی و اجتماعی هستند. اندیشمندان و صاحب‌نظران نظرات مختلفی در مورد اعتقاد به حجاب و موضوعات مرتبط با آن مطرح کرده‌اند. لذا برای شناخت و آشنایی بیشتر با افکار حاکم بر جامعه بهتر است نظرات افراد جامعه در این امور پرسیده شود و

موضوع از منظر افکار عمومی نیز مورد بررسی قرار گیرد. بر این اساس، در پژوهش حاضر نگرش مردم در امور زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

- مطرح شدن موضوع عفاف و حجاب به عنوان یک معضل اجتماعی،
  - رضایت از موقعیت فعلی حجاب،
  - شاخص‌های بدحجابی مردان و زنان در جامعه،
  - عدم همبستگی حجاب و عفاف،
  - اثرگذاری عوامل بیرونی بر حجاب،
  - اثرگذاری عوامل درونی بر حجاب،
  - لزوم اجبار اجتماعی برای حجاب.
- به علاوه، در بخش یافته‌های استنباطی این مقاله رابطه متغیر «اعتقاد به حجاب» با متغیرهای پیشینه سن، تحصیلات، سابقه سکونت در تهران، درآمد، جنسیت و وضعیت تاهل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### روش

روش تحقیق در این پژوهش تحلیل ثانویه است. یافته‌های این بررسی از داده‌های طرح «نگرش مختلف شهروندان تهرانی به وضعیت حجاب و عفاف در جامعه» که توسط پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در سال ۱۳۸۹ اجرا گردیده، گرفته شده است. مطالعه اخیر، براساس یک نمونه ۹۹۴ نفری از افراد بالای ۱۵ سال ساکن در مناطق بیست و دوگانه شهر تهران است.

تحقیق «طرح نظرسنجی از مردم تهران درباره نوع نگرش آنان به وضعیت حجاب و عفاف در جامعه» با رویکرد توصیفی انجام شده بود. یعنی در این تحقیق، صرفاً یافته‌های توصیفی هر یک از گویه‌های نظرسنجی مطرح گردید. ولیکن تحقیق حاضر از نوع تحلیل ثانویه است. در این پژوهش، شاخص‌سازی، همبستگی متغیرها و روایی و پایایی آنها با توجه به قابلیت داده‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

با اطمینان می‌توان گفت که پژوهش قبلی از صورت توصیفی و نظرسنجی اولیه خارج شده و با ساختار تحلیلی ژرف‌تر و کاربردی‌تر بیان شده است.

روش نمونه‌گیری در این مطالعه خوشه‌ای چند مرحله‌ای است که در مرحله اول بلوک‌ها در هر منطقه (مناطق ۲۲ گانه شهر تهران) شناسایی شده است، در مرحله دوم واحدهای مسکونی در داخل بلوک‌ها مشخص شده و نهایتاً در مرحله سوم یک فرد بزرگسال (۱۵ سال و بیشتر) در هر واحد مسکونی انتخاب شده است. تعداد پاسخگویان در هر منطقه متناسب با تعداد ساکنین آن منطقه بوده و افراد مورد نظر به روش تصادفی ساده انتخاب شده‌اند.

چنانکه اشاره گردید روش تحقیق حاضر تحلیل ثانویه است. بنابراین، توجه پژوهشگر عمدتاً بر تحلیل داده‌ها تمرکز داشته است تا گردآوری آنها (بیکر، ۱۳۸۶: ۳۰۹). اگرچه استفاده از داده‌های موجود امکان دسترسی به نمونه مناسب را فراهم کرد، با این توصیف روش مذکور مشکلاتی را نیز به همراه داشت. از جمله اینکه بعضی از متغیرهای مورد سنجش و پرسش‌های مطرح شده در پیمایش پیشین کاملاً متغیرها و پرسش‌های مورد نظر ما نبودند (واس، ۱۳۸۴: ۸۳). این درحالی بود که ما نمی‌توانستیم داده‌ای به آنها بیفزاییم. در نتیجه ناگزیر شدیم تعریف متغیرها و عملیاتی کردن آنها را براساس امکانات و محدودیت داده‌های موجود، انجام دهیم (کافی، ۱۳۸۸: ۱۲-۱۳). در ادامه نحوه سنجش متغیرهای مذکور بیان شده است.

#### متغیر اعتقاد به حجاب

متغیر «اعتقاد به حجاب» دارای شش بعد است که عبارتند از: اعتقاد به پوشش، اعتقاد به حجاب و عفاف برای مردان، حفظ حریم در روابط با جنس مخالف، حجاب به عنوان وظیفه شرعی، کارکردی بودن حجاب و ارزشمند بودن حجاب. لازم به ذکر است که برای درک راحت‌تر مطلب، مقیاس‌ها تبدیل به ۰ تا ۱۰۰ شدند. بنابراین برای همه شاخص‌ها حد پایین (کمینه) صفر و حد بالا (بیشینه) ۱۰۰ است.

## جدول ۱: نحوه سنجش ابعاد اعتقاد به حجاب

بعد	نحوه سنجش
اعتقاد به پوشش	با استفاده از ۲ گویه <sup>۱</sup> و طیف لیکرت ۵ قسمتی با درجه‌بندی اصلا، خیلی کم، کم، زیاد و خیلی زیاد سنجیده می‌شود.
اعتقاد به حجاب و عفاف برای مردان	با استفاده از ۱ گویه <sup>۲</sup> و طیف لیکرت ۵ قسمتی با درجه‌بندی اصلا، خیلی کم، کم، زیاد و خیلی زیاد سنجیده می‌شود.
حفظ حریم در روابط با جنس مخالف	با استفاده از ۳ گویه <sup>۳</sup> و طیف لیکرت ۵ قسمتی با درجه‌بندی اصلا، خیلی کم، کم، زیاد و خیلی زیاد سنجیده می‌شود.
حجاب به عنوان وظیفه شرعی	با استفاده از ۱ گویه <sup>۴</sup> و طیف لیکرت ۵ قسمتی با درجه‌بندی اصلا، خیلی کم، کم، زیاد و خیلی زیاد سنجیده می‌شود.
کارکردی بودن حجاب	با استفاده از ۳ گویه <sup>۵</sup> و طیف لیکرت ۵ قسمتی با درجه‌بندی اصلا، خیلی کم، کم، زیاد و خیلی زیاد سنجیده می‌شود.
ارزشمند بودن حجاب	با استفاده از ۲ گویه <sup>۶</sup> و طیف لیکرت ۵ قسمتی با درجه‌بندی اصلا، خیلی کم، کم، زیاد و خیلی زیاد سنجیده می‌شود.

## نگرش‌های مربوط به حجاب

- مطرح شدن موضوع عفاف و حجاب به عنوان یک معضل اجتماعی: با استفاده از یک گویه و طیف سه قسمتی لیکرت (اصلا، کم، زیاد) مورد سنجش قرار گرفته است.<sup>۷</sup>
- رضایت از موقعیت فعلی حجاب: رضایت از پوشش و رفتار مناسب زنان و مردان در جامعه را مدنظر دارد. برای سنجش «رضایت از موقعیت فعلی حجاب» از

- ۱- گویه یک: رعایت حجاب، دست و پاگیر و دشوار است، گویه دو: وضعیت بدحجابی و پوشش نامناسب بعضی از شهروندان واقعاً آزاردهنده است.
- ۲- گویه: حجاب و عفاف فقط یک مسئله زنانه نیست، بلکه مردان جامعه نیز موظف به رعایت حجاب و عفاف خاص خود هستند.
- ۳- گویه یک: آزادی روابط زن و مرد در غرب یک رابطه طبیعی و براساس نیازهای انسانی است، گویه دو: روابط و دوستی بین دختران و پسران در دوران نوجوانی امری طبیعی و عادی است و نباید با آن مخالفت کرد، گویه سه: روابط و دوستی بین دختر و پسر در دوران جوانی حتی اگر به قصد ازدواج هم نباشد، امری طبیعی و عادی است و نباید با آن مخالفت کرد.
- ۴- گویه: حجاب، دستور دین و امر خداوند است و رعایت آن واجب است.
- ۵- گویه یک: رعایت حجاب و عفاف در جامعه موجب بالارفتن امنیت اجتماعی و احساس آرامش فردی افراد جامعه می‌شود، گویه دو: رعایت حجاب و عفاف در جامعه موجب کاهش طلاق و استحکام بنیان خانواده‌ها می‌گردد، گویه سه: زنانی که با پوشش نامناسب در خیابان‌های شهر مورد اذیت عده‌ای قرار می‌گیرند، اگر از پوشش مناسب استفاده کنند، مورد آزار قرار نمی‌گیرند.
- ۶- گویه یک: امروزه حجاب در جامعه ما تا چه حد یک ارزش اجتماعی محسوب می‌شود؟، گویه دو: افراد باحجاب در جامعه ما، آدم‌هایی عقب‌افتاده و آمل هستند.
- ۷- به نظر شما مطرح کردن و برجسته ساختن موضوع عفاف و حجاب، به عنوان یک معضل یا مشکل اجتماعی در شرایط امروز جامعه ما چه قدر ضرورت دارد؟



۲ گویه ۵ قسمتی لیکرت با درجه‌بندی اصلا، خیلی کم، کم، زیاد، خیلی زیاد استفاده شده است.<sup>۱</sup>

- شاخص‌های بد حجابی مردان در جامعه: « شاخص‌های بدحجابی مردان در جامعه» مشمول نگاه ناسالم به جنس مخالف (چشم‌چرانی)، پوشش و لباس نامناسب و روابط راحت با جنس مخالف (دست دادن، شوخی کردن، صدا کردن با نام کوچک و...) از جانب مردان در جامعه است. « شاخص‌های بدحجابی مردان در جامعه» با استفاده از سه گویه و طیف سه قسمتی لیکرت با درجه‌بندی اصلا، کم و زیاد مورد سنجش قرار گرفته است.

- شاخص‌های بدحجابی زنان در جامعه: « شاخص‌های بدحجابی زنان در جامعه» مشمول نگاه ناسالم به جنس مخالف (چشم‌چرانی)، پوشش و لباس نامناسب و روابط راحت با جنس مخالف (دست دادن، شوخی کردن، صدا کردن با نام کوچک و...) از جانب زنان در جامعه است. «شاخص‌های بدحجابی زنان در جامعه» با استفاده از سه گویه و طیف سه قسمتی لیکرت با درجه‌بندی اصلا، کم و زیاد مورد سنجش قرار گرفته است.

- عدم همبستگی حجاب و عفاف: به این موضوع می‌پردازد که آیا افراد جامعه حجاب و عفاف را دو مقوله جدا از یکدیگر می‌دانند و یا بین این دو همبستگی قائل هستند. «نگرش عدم همبستگی حجاب و عفاف» با استفاده از یک گویه و طیف ۵ قسمتی لیکرت با درجه‌بندی اصلا، خیلی کم، کم، زیاد و خیلی زیاد سنجیده شده است.<sup>۲</sup>

- تاثیر عوامل بیرونی بر حجاب: این شاخص نگرش تاثیر فرهنگ بیگانه و تهاجم فرهنگی بر حجاب و پوشش را مورد توجه قرار می‌دهد. شاخص «نگرش

۱- گویه یک: وضعیت حجاب و پوشش اکثریت جامعه ما مناسب و مطلوب است، گویه دو: تعامل و روابط بین زن‌ها و مردها در جامعه از وضعیت مطلوب برخوردار است.

۲- حجاب و عفاف دو موضوع جداگانه هستند و نباید آنها را به هم مربوط دانست.

تاثیر عوامل بیرونی بر حجاب» با استفاده از ۳ گویه و طیف لیکرت ۵ قسمتی با درجه‌بندی اصلا، خیلی کم، کم، زیاد و خیلی زیاد سنجیده شده است.<sup>۱</sup>

- تاثیر عوامل درونی بر حجاب: این شاخص نگرش تاثیر عوامل درونی همانند فعالیت‌های فرهنگی دولت، تعالیم مذهبی و خانواده‌ها بر حجاب را مدنظر قرار می‌دهد. «نگرش تاثیر عوامل درونی بر حجاب» با استفاده از ۳ گویه و طیف لیکرت ۵ قسمتی با درجه‌بندی اصلا، خیلی کم، کم، زیاد و خیلی زیاد سنجیده شده است.<sup>۲</sup>

- لزوم اجبار اجتماعی برای داشتن حجاب: «نگرش به لزوم اجبار اجتماعی برای داشتن حجاب» با استفاده از ۳ گویه و طیف ۵ قسمتی لیکرت با درجه‌بندی اصلا، خیلی کم، کم، زیاد و خیلی زیاد سنجیده شده است.<sup>۳</sup>

در این تحقیق متغیرهای زمینه‌ای شامل: درآمد، سابقه سکونت در تهران، جنس، سن، تحصیلات و وضعیت تاهل است.

اعتبار و پایایی یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر تحقیق است. زیرا نشان می‌دهد که آیا شاخص‌ها و طیف‌های ساخته شده برای تحلیل و بررسی مناسب هستند یا خیر. در تحلیل‌های ثانویه به دست آوردن اعتبار و پایایی شاخص‌های تحقیق از اهمیت

۱- گویه یک: فیلم‌ها، سریال‌ها و برنامه‌های مبتذل ماهواره و فیلم‌های بیگانه بر افزایش خیانت زن و شوهر به یکدیگر در خانواده‌های امروز ایران اثرگذار است، گویه دو: یکی از اهداف استعماری کشورهای غربی در حمله به حجاب و ترویج پوشش و آرایش غربی، کاهش قدرت مقاومت مردم کشورهای جهان سوم است. گویه سه: بخشی از بدحجابی‌ها برنامه‌ریزی شده و با هدف ترویج فرهنگ بی‌حجابی است که دولت باید با آن قاطعانه برخورد کند.

۲- گویه یک: اگر امروز پوشش در جامعه با مشکل مواجه است به دلیل ضعف فعالیت فرهنگی و فرهنگ‌سازی دولت‌ها در سال‌های اخیر است، گویه دو: دلیل اصلی رعایت نشدن پوشش اسلامی در سطح جامعه توسط برخی از زنان و مردان، مخالفت آنان با احکام اسلام است، گویه سه: خانواده‌ها در مقایسه با گذشته کنترل کمتری نسبت به حجاب و نحوه پوشش فرزندان خود دارند.

۳- گویه یک: باید قوانینی در محیط‌های کاری و دانشگاهی درخصوص حجاب و حفظ حریم در روابط زن و مرد تنظیم شود و با خاطیان به طور قاطع برخورد کرد، گویه دو: حضور ارگان‌های مسئول در خیابان‌های شهر، برای تذکر و دادن اخطار به زنان و مردان بدپوشش دخالت در امور فردی و شخصی مردم است، گویه سه: امر به معروف و نهی از منکر در خصوص حجاب باید توسط مردم و شهروندان در جامعه اجرا گردد.

دو چندانی برخوردار است. زیرا در این گونه بررسی‌ها محقق براساس هدف و منظوری خاص در تعدادی از سوالات و متغیرهای تحقیق دخل و تصرف می‌کند و شاخص‌های جدیدی می‌سازد (زین‌آبادی ۲، ۱۳۸۵، ۱۷۲).

در این تحقیق برای سنجش اعتبار مقیاس‌های سنجش از روش اعتبار صوری<sup>۱</sup> و سازه<sup>۲</sup> استفاده شد. همچنین «پایایی<sup>۳</sup>» شاخص‌ها نیز با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت<sup>۴</sup>. پایایی در «اعتقاد به حجاب» ۰/۸۶ محاسبه شد. پایایی در ابعاد متغیر «اعتقاد به حجاب» که از ترکیب دو یا چند گویه ساخته شده‌اند، بدین شرح است:

اعتقاد به پوشش ۰/۶۳، حفظ حریم در روابط با جنس مخالف ۰/۸۰، کارکردی بودن حجاب ۰/۷۴ و ارزشمند بودن حجاب ۰/۶۰.

پایایی «نگرش‌های مربوط به حجاب» نیز محاسبه گردید. در زیر پایایی شاخص‌های مربوط به آن که از ترکیب دو یا چند گویه ساخته شده‌اند، گزارش شده است.

رضایت از موقعیت فعلی حجاب ۰/۷۴، وجود شاخص‌های بدحجابی مردان در جامعه ۰/۶۴، وجود شاخص‌های بدحجابی زنان در جامعه ۰/۶۷، نگرش اثرگذاری عوامل بیرونی بر حجاب ۰/۷۵، نگرش اثرگذاری عوامل درونی بر حجاب ۰/۶۰، نگرش به لزوم اجبار اجتماعی برای حجاب ۰/۶۰. در این مقاله توصیف و تحلیل داده‌ها به کمک نرم افزار SPSS انجام شده است.

- 1- Face Validity
- 2- Construct Validity
- 3- reliability

۴- برای سنجش انسجام درونی مقیاس از آماره آلفای کرونباخ استفاده می‌شود. مقدار آلفای کرونباخ هر چقدر افزایش یابد پایایی بیشتر را نشان می‌دهد (کلانتری، ۱۳۸۹: ۷۵). در این پژوهش، اگر مقدار آلفای به‌دست آمده کمتر از ۰/۶۰ باشد پایایی غیرقابل قبول ارزیابی می‌گردد.

## یافته‌ها

## متغیرهای زمینه‌ای

نتایج نشان می‌دهد ۴۹/۵ درصد از پاسخگویان مرد و ۵۰/۵ درصد زن هستند. از نظر سنی ۱۳/۵ درصد از پاسخگویان در گروه سنی زیر بیست سال (۱۵-۱۹ سال)، ۳۶/۳ درصد در گروه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال، ۲۱/۲ درصد در گروه سنی ۳۰ تا ۳۹ سال، ۱۳/۹ درصد در گروه سنی ۴۰ تا ۴۹ سال و ۱۳/۷ درصد در گروه سنی ۵۰ سال و بالاتر قرار دارند. از نظر وضعیت تاهل ۴۵/۲ درصد از پاسخگویان مجرد و ۵۴/۸ درصد متأهل هستند. از نظر سطح تحصیلات ۰/۵ درصد از پاسخگویان بی‌سواد، ۵/۳ درصد تحصیلات ابتدایی، ۸ درصد تحصیلات راهنمایی، ۸/۲ درصد دبیرستان، ۲۸/۳ درصد تحصیلات دیپلم و پیش‌دانشگاهی، ۱۰/۵ درصد تحصیلات فوق‌دیپلم، ۳۰/۸ درصد تحصیلات لیسانس و ۶/۴ درصد تحصیلات فوق‌لیسانس و ۱/۳ درصد دکتری دارند. همچنین ۵/۶ درصد از پاسخگویان کمتر از ۶ سال، ۵ درصد ۶-۱۰ سال، ۷/۳ درصد ۱۱-۱۵ سال، ۱۹/۳ درصد ۱۶-۲۰ سال، ۱۵/۵ درصد ۲۱-۲۵ سال، ۱۳/۱ درصد ۲۶-۳۰ سال و ۳۰/۲ درصد بیش از ۳۰ سال سابقه سکونت در شهر تهران دارند. نتایج نشان می‌دهد درآمد خانواده ۴۰ درصد از پاسخگویان ماهیانه کمتر از ۶۰۰ هزار تومان، ۴۳/۶ درصد ۶۰۰ تا ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان، ۱۳/۲ درصد بالای ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بوده است.

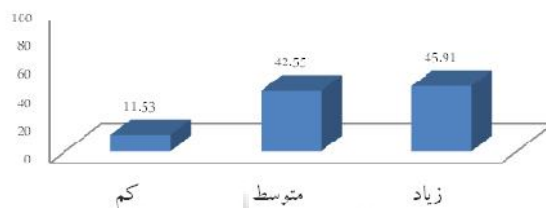
## متغیر اعتقاد به حجاب

میزان اعتقاد به حجاب در ۱۱/۱ درصد از پاسخگویان در سطح کم، ۴۰/۸ درصد پاسخگویان در سطح متوسط و ۴۴/۱ درصد از پاسخگویان در سطح زیاد است. میانگین متغیر اعتقاد به حجاب ۶۲/۵۹ و انحراف معیار آن ۲۱/۲۰ می‌باشد<sup>۱</sup>.

۱- همه متغیرها به مقیاس ۰ تا ۱۰۰ تبدیل شده‌اند. بنابراین در همه متغیرها حد پایین (کمینه) میانگین ۰ و حد بالا (بیشینه) ۱۰۰ است.

بنابراین میزان اعتقاد به حجاب در جامعه نمونه در سطح بالا قرار دارد. (نمودار شماره ۱ و جدول شماره ۲)

نمودار ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان اعتقاد به حجاب



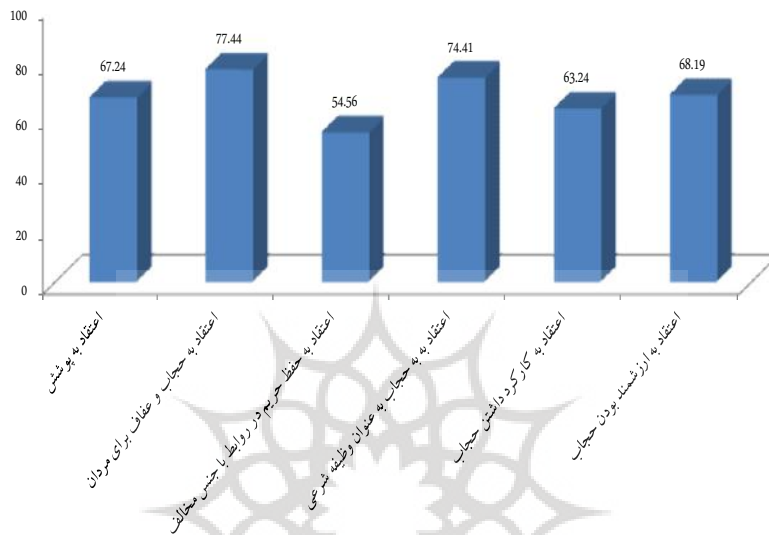
جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان اعتقاد به حجاب

میزان اعتقاد	توزیع فراوانی
کم	۱۱/۵۳
متوسط	۴۲/۵۷
زیاد	۴۵/۹۱

- همچنین وضعیت آماره‌های ابعاد متغیر «اعتقاد به حجاب» به شرح زیر است: در جامعه نمونه، میانگین «اعتقاد به پوشش» ۶۷/۲۴ و انحراف معیار آن ۲۷/۶۳ می‌باشد که نشان‌دهنده «اعتقاد به پوشش» در سطح بالا می‌باشد.
- میانگین «اعتقاد به حجاب و عفاف برای مردان» ۷۷/۴۴ و انحراف معیار ۲۴/۵۰ می‌باشد. در نتیجه در میان پاسخگویان میزان «اعتقاد به حجاب و عفاف برای مردان» در سطح بالا قرار دارد.
- میانگین «اعتقاد به حفظ حریم در روابط با جنس مخالف» ۵۴/۵۶ و انحراف معیار ۲۹/۰۹ است که میزان «اعتقاد به حفظ حریم در روابط با جنس مخالف» را در بین پاسخگویان در سطح متوسط می‌باشد.

- میانگین «اعتقاد به حجاب به عنوان وظیفه شرعی» ۷۴/۴۱ و انحراف معیار ۲۶/۰۱ می‌باشد. در نتیجه در میان پاسخگویان میزان «اعتقاد به حجاب به عنوان وظیفه شرعی» در سطح بالا قرار دارد.
  - میانگین «اعتقاد به کارکرد داشتن حجاب» ۶۳/۲۴ و انحراف معیار ۲۵/۵۷ است که گویای میزان اعتقاد به کارکردی بودن حجاب در سطح بالا در میان پاسخگویان می‌باشد.
  - میانگین «اعتقاد به ارزشمند بودن حجاب» ۶۸/۱۹ و انحراف معیار آن ۱۹/۱۲ می‌باشد که نشان‌دهنده ارزشمند دانستن حجاب در سطح بالا در بین پاسخگویان است.
- در میان ابعاد متغیر «اعتقاد به حجاب»، بالاترین میزان میانگین به ترتیب مربوط به متغیرهای «اعتقاد به حجاب و عفاف برای مردان»، «اعتقاد به حجاب به عنوان وظیفه شرعی»، «اعتقاد به ارزشمند بودن حجاب»، «اعتقاد به پوشش»، «اعتقاد به کارکرد داشتن حجاب»، «اعتقاد به حفظ حریم در روابط با جنس مخالف» است. بنابراین در میان ابعاد متغیر اعتقاد به حجاب، بعد «اعتقاد به حجاب و عفاف برای مردان» بیشترین و بعد «اعتقاد به حفظ حریم در روابط با جنس مخالف» کمترین میزان اعتقادی را به خود اختصاص داده است (نمودار شماره ۲ و جدول شماره ۳).

نمودار ۲: توزیع فراوانی ابعاد متغیر «اعتقاد به حجاب»



جدول ۳: توزیع فراوانی ابعاد متغیر «اعتقاد به حجاب»

انحراف معیار	میانگین	
۲۷/۶۳	۶۷/۲۴	اعتقاد به پوشش
۲۴/۵۰	۷۷/۴۴	اعتقاد به حجاب و عفاف برای مردان
۲۹/۰۹	۵۴/۵۶	اعتقاد به حفظ حریم در روابط با جنس مخالف
۲۶/۰۱	۷۴/۴۱	اعتقاد به حجاب به عنوان وظیفه شرعی
۲۵/۵۷	۶۳/۲۴	اعتقاد به کارکرد داشتن حجاب
۱۹/۱۲	۶۸/۱۹	اعتقاد به ارزشمند بودن حجاب

### نگرش‌های مربوط به حجاب

در این قسمت «نگرش‌های مربوط به حجاب» توصیف می‌شود:

- مطرح شدن موضوع حجاب به عنوان یک معضل اجتماعی: در جامعه مورد مطالعه، میانگین «مطرح شدن موضوع حجاب به عنوان یک معضل» ۶۶/۴۶ و انحراف معیار ۳۸/۰۷ می‌باشد. در نتیجه «مطرح شدن موضوع حجاب به عنوان یک معضل» در سطح بالا قرار دارد. (جدول شماره ۴)

جدول ۴: نگرش به مسئله حجاب به عنوان یک معضل اجتماعی

انحراف معیار	میانگین	
۳۸/۰۷	۶۶/۴۶	مطرح شدن موضوع حجاب به عنوان یک معضل

- رضایت از موقعیت فعلی حجاب: میانگین میزان رضایت از موقعیت فعلی حجاب ۴۵/۹۴ و انحراف معیار ۲۶/۲۲ می‌باشد. بنابراین میزان رضایت از موقعیت فعلی حجاب در سطح نسبتاً متوسط قرار دارد. (جدول شماره ۵)

جدول ۵: رضایت از موقعیت فعلی حجاب

انحراف معیار	میانگین	
۲۶/۲۲	۴۵/۹۴	رضایت از موقعیت فعلی حجاب

- شاخص‌های بدحجابی مردان: براساس نتایج تحقیق، شاخص‌های بدحجابی مردان براساس اولویت «نگاه ناسالم نسبت به جنس مخالف»، «روابط راحت با جنس مخالف» و «پوشش و لباس نامناسب» می‌باشد. براساس یافته‌ها این شاخص‌ها در سطح بالایی قرار دارد. (جدول شماره ۶)

جدول ۶: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان وجود انواع شاخص‌های بدحجابی مردان

انحراف معیار	میانگین	انواع شاخص‌های بدحجابی مردان
۲۳/۸۶	۸۷/۵۱	نگاه ناسالم نسبت به جنس مخالف
۲۹/۷۷	۶۶/۱۹	پوشش و لباس نامناسب
۲۹/۶۲	۸۰/۵۱	روابط راحت با جنس مخالف



همان‌طور که ملاحظه می‌شود میانگین «شاخص‌های بدحجابی مردان» ۷۸/۸۴ و انحراف معیار آن ۲۱/۰۴ می‌باشد که وجود شاخص‌های بدحجابی مردان را در سطح بالا نشان می‌دهد.

میزان «شاخص‌های بدحجابی مردان» از دید زنان و مردان به‌طور جداگانه نیز مورد بررسی قرار گرفت. از دید پاسخگویان زن، میانگین «شاخص‌های بدحجابی مردان» ۸۰/۷۳ و انحراف معیار ۲۰/۴۰ است. از نظر پاسخگویان مرد، میانگین «شاخص‌های بدحجابی مردان» ۷۶/۹۹ و انحراف معیار ۲۱/۵۴ است. بنابراین، هر دو جنس، شاخص‌های بدحجابی مردان را در سطح بالا می‌دانند. (جدول شماره ۷)

جدول ۷: شاخص‌های بدحجابی مردان از دیدگاه کلی و از دیدگاه زنان و مردان

انحراف معیار	میانگین	
۲۱/۰۴	۷۸/۸۴	شاخص‌های بدحجابی مردان
۲۰/۴۰	۸۰/۷۳	شاخص‌های بدحجابی مردان از دیدگاه زنان
۲۱/۵۴	۷۶/۹۹	شاخص‌های بدحجابی مردان از دیدگاه مردان

- میزان وجود شاخص‌های بدحجابی زنان: براساس نتایج تحقیق، شاخص‌های بدحجابی زنان براساس اولویت «پوشش و لباس نامناسب»، «روابط راحت با جنس مخالف» و «نگاه ناسالم نسبت به جنس مخالف» است. براساس یافته‌ها این شاخص‌ها در سطح بالا قرار دارد. (جدول شماره ۸)

جدول ۸: توزیع فراوانی پاسخگویان

بر حسب میزان وجود انواع شاخص‌های بدحجابی زنان

انحراف معیار	میانگین	انواع شاخص‌های بدحجابی زنان
۳۰/۱۵	۶۷/۵۴	نگاه ناسالم نسبت به جنس مخالف
۲۶/۷۴	۸۵/۸۲	پوشش و لباس نامناسب
۲۹/۷۰	۷۹/۰۶	روابط راحت با جنس مخالف

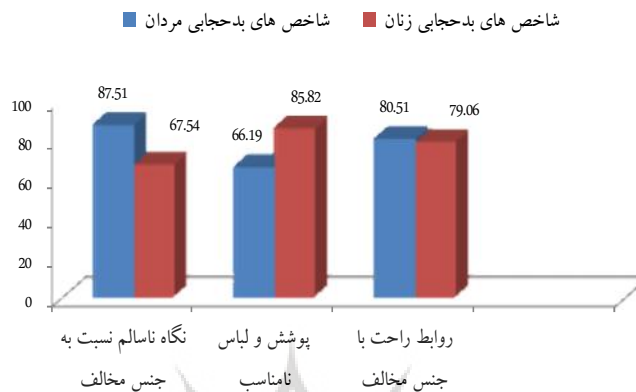
میانگین «شاخص‌های بدحجابی زنان» ۷۷/۹۶ و انحراف معیار آن ۲۲/۳۷ می‌باشد. در نتیجه، از نظر پاسخگویان میزان «شاخص‌های بدحجابی زنان» در سطح بالا قرار دارد.

در اینجا نیز، میزان «شاخص‌های بدحجابی زنان» از دید زنان و مردان مورد بررسی قرار گرفت. که نتایج نشان می‌دهد از دید پاسخگویان زن، میانگین «شاخص‌های بدحجابی زنان» ۷۷/۲۰ و انحراف معیار ۲۲/۲۴ است. از نظر پاسخگویان مرد، میانگین «شاخص‌های بدحجابی زنان» ۷۸/۸۶ و انحراف معیار ۲۲/۴۸ است. بنابراین، هر دو جنس، شاخص‌های بدحجابی زنان را سطح بالا می‌دانند. (جدول شماره ۹)

جدول ۹: شاخص‌های بدحجابی زنان از دیدگاه کلی و از دیدگاه زنان و مردان

انحراف معیار	میانگین	
۲۲/۳۷	۷۷/۹۶	شاخص‌های بدحجابی زنان
۲۲/۲۴	۷۷/۲۰	شاخص‌های بدحجابی زنان از دیدگاه زنان
۲۲/۴۸	۷۸/۸۶	شاخص‌های بدحجابی زنان از دیدگاه مردان

نمودار ۳: میزان وجود انواع شاخص‌های بدحجابی زنان و مردان



- عدم همبستگی حجاب و عفاف: میانگین نگرش «عدم همبستگی حجاب و عفاف» ۴۷/۹۶ و انحراف معیار آن ۳۷/۴۲ می‌باشد. بنابراین، در جامعه، نگرش «عدم همبستگی حجاب و عفاف» در سطح نسبتاً متوسط قرار دارد. یعنی مردم جامعه موضوع عفاف و حجاب را جدا از هم نمی‌دانند و معتقد به انطباق کامل آن دو نیز نیستند.
- اثرگذاری عوامل فرهنگی بیرونی بر حجاب: میانگین نگرش « پاسخگویان به اثرگذاری عوامل فرهنگی بیرونی بر حجاب» را ۵۲/۰۱ و انحراف معیار آن ۲۸/۰۵ می‌باشد. بنابراین از نظر پاسخگویان، اثرگذاری عوامل فرهنگی بیرونی بر حجاب در سطح متوسط قرار دارد.
- اثرگذاری عوامل فرهنگی درونی بر حجاب: پاسخگویان به‌طور متوسط «میزان تاثیر عوامل فرهنگی درونی بر حجاب» را ۵۶/۶۳ و انحراف معیار آن ۲۰/۱۸ می‌باشد. بنابراین، از نظر پاسخگویان، میزان تاثیر عوامل فرهنگی درونی بر حجاب در سطح متوسط قرار دارد.

- لزوم اجبار اجتماعی برای حفظ حجاب: متوسط «نگرش به لزوم اجبار اجتماعی برای حفظ حجاب» ۴۴/۷۳ و انحراف معیار آن ۲۶/۲۸ می‌باشد. بنابراین، به طور کلی، پاسخگویان معتقد به لزوم اجبار اجتماعی برای حفظ حجاب در سطح نسبتاً متوسط هستند. (مجموعه این نگرش‌ها در جدول ۱۰ گزارش شده‌اند.)

جدول ۱۰: برخی از نگرش‌های مربوط به حجاب

انحراف معیار	میانگین	برخی نگرش‌های مربوط به حجاب
۳۷/۴۲	۴۷/۹۶	نگرش عدم همبستگی حجاب و عفاف
۲۸/۰۵	۵۲/۰۱	نگرش اثرگذاری عوامل فرهنگی بیرونی بر حجاب
۲۰/۱۸	۵۶/۶۳	نگرش اثرگذاری عوامل فرهنگی درونی بر حجاب
۲۶/۲۸	۴۴/۷۳	نگرش به لزوم اجبار اجتماعی برای حجاب

#### یافته‌های تحلیلی<sup>۱</sup>

در این قسمت رابطه متغیر «اعتقاد به حجاب» با متغیرهای زمینه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد. رابطه همبستگی متغیر «اعتقاد به حجاب» با «سن»، «تحصیلات» و «سابقه سکونت در تهران» مثبت، قوی و معنادار است. اما متغیرهای «اعتقاد به حجاب» و «درآمد» با هم رابطه منفی، قوی و معنادار دارند. (جدول ۱۱)

جدول ۱۱: رابطه همبستگی پیرسون بین متغیر اعتقاد به حجاب و متغیرهای پیشینه‌ای

اعتقاد به حجاب	
۰/۲۱۸**	سن
۰/۲۸۳**	تحصیلات
۰/۱۰۰**	سابقه سکونت در تهران
-۰/۳۰۲**	هزینه ماهیانه خانواده

همچنین رابطه «جنسیت» و «اعتقاد به حجاب» مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون T دو نمونه مستقل نشان می‌دهد بین «جنسیت» و «اعتقاد به حجاب» رابطه معنادار وجود دارد. میانگین «اعتقاد به حجاب» در جامعه زنان به‌طور معنادار بیشتر مربوط جامعه مردان است.

جدول ۱۲: مقایسه میانگین اعتقاد به حجاب در جنسیت

متغیر	جنسیت	میانگین	T	سطح معناداری
اعتقاد به حجاب	مرد	۶۰/۵۵	-۲/۹۴۷	۰/۰۰۳
	زن	۶۴/۵۹		

رابطه وضعیت تاهل با اعتقاد به حجاب با آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک‌طرفه و همچنین آزمون شفه و توکی نشان دادند: میانگین اعتقاد به حجاب در میان متأهل‌ها به‌طور معنادار بیشتر از میانگین اعتقاد به حجاب در میان مجردهاست.

جدول ۱۳: مقایسه میانگین اعتقاد به حجاب در وضعیت تاهل

متغیر	وضعیت تاهل	میانگین	F	سطح معناداری
اعتقاد به حجاب	مجرد	۵۷/۷۶	۱۴/۶۸	۰/۰۰۰
	متاهل	۶۶/۳۸		
	مطلقه	۷۱/۰۹		
	بیوه	۸۳/۱۸		

### بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد به سؤالاتی در مورد «اعتقاد به حجاب» و «نگرش‌های مربوط به آن» پاسخ داده شود. همان‌طور که ملاحظه گردید رابطه متغیر حجاب با متغیرهای پیشینه‌ای نیز مورد بررسی قرار گرفت. همچنین یکی از اهداف تحقیق، نگرش‌سنجی درباره موضوعات مرتبط با حجاب بود.

نگرش‌سنجی ابزاری است که از طریق آن می‌توان دیدگاه‌های مردم را به مدیران جامعه انعکاس داد، وضعیت روحی و تمایلات مردم را شناخت و به عنوان راهی هدایت‌کننده برای قدرتمندان سیاسی و اقتصادی از آن استفاده کرد. در واقع، کارکرد نگرش‌سنجی، شناخت و مشاهده است (زارعیان، ۱۳۸۷: ۱۴۰). در واقع با بررسی افکار می‌توان قضاوت‌های پوشیده را رصد نمود. (خسروی، ۱۳۸۷: ۲۳۸). اهمیت شناخت افکار عمومی به این جهت است که با استفاده از آگاهی افکار و عقاید یک گروه بتوان رفتار احتمالی آن گروه را پیش‌بینی کرد. (حسن‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۶۰). مسئولین و متخصصان با شناخت «نگرش‌های مربوط به حجاب» می‌توانند برنامه‌ریزی صحیح و کارآمدی برای جامعه ارائه نمایند. در ادامه یافته‌های تحقیق براساس هر یک از سوالات تحقیق، ارائه می‌شود:

سوال ۱؛ اعتقاد به حجاب در میان افراد جامعه چگونه است؟ براساس نتایج تحقیق، متغیر «اعتقاد به حجاب» در سطح بالا قرار دارد. متغیر اعتقاد به حجاب دارای شش بعد است: اعتقاد به پوشش، اعتقاد به حجاب و عفاف برای مردان، حفظ حریم در روابط با جنس مخالف، حجاب به عنوان وظیفه شرعی، اعتقاد به کارکردی بودن حجاب و اعتقاد به ارزشمند بودن حجاب. متغیرهای اعتقاد به پوشش، اعتقاد به حجاب و عفاف برای مردان، اعتقاد به حجاب به عنوان وظیفه شرعی، کارکردی بودن حجاب، اعتقاد به ارزشمند بودن حجاب در سطح بالا قرار دارند. ولیکن، متغیر «اعتقاد به حفظ حریم در روابط با جنس مخالف» در سطح متوسط است. بنابراین در میان ابعاد متغیر اعتقاد به حجاب، بعد «اعتقاد به حجاب و عفاف برای مردان» بیشترین و بعد «اعتقاد به حفظ حریم در روابط با جنس مخالف» کمترین میزان اعتقاد را به خود اختصاص داده است. نتایج نشان می‌دهد که در شرایط امروز مردم جامعه معتقدند حجاب و پوشش فقط اختصاص به زنان ندارد و در واقع خواستار نوعی عدالت و رفع تبعیض در مورد

حجاب هستند. همچنین نتایج مشخص می‌کند که افراد جامعه تا اندازه‌ای به آزادی در روابط اجتماعی اعتقاد دارند.

در میان ابعاد متغیر «اعتقاد به حجاب»، بالاترین میزان میانگین به ترتیب مربوط به متغیرهای «اعتقاد به حجاب و عفاف برای مردان»، «اعتقاد به حجاب به عنوان وظیفه شرعی»، «اعتقاد به ارزشمند بودن حجاب»، «اعتقاد به پوشش»، «اعتقاد به کارکرد داشتن حجاب»، «اعتقاد به حفظ حریم در روابط با جنس مخالف» است.

سوال ۲؛ افراد جامعه وضعیت فعلی حجاب را چگونه ارزیابی می‌کنند؟ براساس یافته‌های توصیفی «متغیرهای نگرشی مربوط به حجاب» این نتایج حاصل شد: «میزان نگرش به مسئله حجاب به عنوان یک معضل» در میان پاسخگویان در سطح بالا قرار دارد. همچنین، «میزان رضایت از موقعیت فعلی حجاب» در سطح نسبتاً متوسط است.

نتایج نشان می‌دهد انواع شاخص‌های بدحجابی مردان در سطح بالا و براساس اولویت «نگاه ناسالم نسبت به جنس مخالف»، «روابط راحت با جنس مخالف» و «پوشش و لباس نامناسب» است. انواع شاخص‌های بدحجابی زنان نیز در سطح بالا و براساس اولویت «پوشش و لباس نامناسب»، «روابط راحت با جنس مخالف» و «نگاه ناسالم نسبت به جنس مخالف» است. بنابراین افراد جامعه اعم از زنان و مردان «شاخص‌های بدحجابی مردان و زنان» را در سطح بالا می‌دانند.

سوال ۳؛ آیا افراد جامعه معتقد به جدایی حجاب و عفاف هستند؟ همان‌طور که در مبانی نظری مطرح شد عفاف به عنوان یک فضیلت اخلاقی متوجه نوع انسان بوده و جنسیت‌بردار نیست و به همهٔ زمان‌ها و مکان‌ها متعلق است و براساس عرف جامعه است. حجاب نیز تکلیفی شرعی است که که حدودمرز آن از سوی شرع به صورت واضح و متمایز بیان شده است. نگرش پاسخگویان به «عدم

همبستگی حجاب و عفاف» در سطح متوسط است. یعنی افراد جامعه عفاف و حجاب را دو موضوع کاملاً جدا از هم نمی‌دانند.

سوال ۴؛ نگرش افراد جامعه در مورد عوامل موثر بیرونی و درونی حجاب چگونه است؟ افراد جامعه معتقدند میزان اثرگذاری «عوامل فرهنگی بیرونی» همانند فرهنگ بیگانه و تهاجم فرهنگی بر حجاب در سطح متوسط است. افراد جامعه همچنین اعتقاد دارند اثرگذاری عوامل درونی همانند فعالیت‌های فرهنگی دولت، تعالیم مذهبی و خانواده‌ها بر حجاب متوسط است. بنابراین نحوه جامعه‌پذیری دینی و حجاب باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد. همان‌طور که گفته شد حجاب گویای انتخاب یک عقیده است. آدمی عقیده و مرام را با دو خصیصه شناخت و انتخاب برمی‌گزیند و براساس آن زندگی می‌کند و تمام رفتارهای خود را براساس آن شکل می‌دهد. هر قدر شناخت و اختیار انسان عمیق‌تر شود، عقیده و مرام او نیز پایدارتر است. با توجه به اهمیت دینی، هویتی و سیاسی که حجاب و پوشش در جامعه ما دارد درونی کردن باور، ارزش و هنجارهای حجاب بهتر است در دوران کودکی و نوجوانی مورد توجه قرار گیرد. نهادهای مسئول و اثرگذار در این زمینه خانواده، آموزش و پرورش و رسانه می‌باشند.

سوال ۵؛ مردم جامعه تا چه اندازه به لزوم اجبار اجتماعی برای حجاب معتقدند؟ در مورد حجاب افراد جامعه معتقد به لزوم اجبارهای اجتماعی همانند قوانین، ارگان‌های مسئول و ارشاد مردم در سطح نسبتاً متوسط هستند. به‌طور اساسی، کنترل‌های غیررسمی نسبت به کنترل‌های رسمی از کارکرد بالاتر و موثرتری برخوردار هستند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود توجه ویژه به جامعه‌پذیری دینی و درونی کردن ارزش‌ها بیشتر از نظارت رسمی مدنظر مسئولین و برنامه‌ریزان قرار گیرد.



سوال ۶؛ رابطه بین اعتقاد به حجاب و متغیرهای سن، جنس، تحصیلات و درآمد چگونه است؟ نتایج تحلیلی نشان دادند با افزایش «سن» اعتقاد به حجاب بیشتر می‌شود. «تحصیلات» اثر افزایشی بر اعتقاد به حجاب دارد. با افزایش «سابقه سکونت در تهران» اعتقاد به حجاب افزایش می‌یابد. ولیکن با افزایش «درآمد» اعتقاد به حجاب کاهش می‌یابد. همچنین، «اعتقاد به حجاب» در میان زنان بیشتر از مردان است و «اعتقاد به حجاب» در میان متاهل‌ها بیشتر از مجردهاست.

بنابراین، براساس یافته‌های تحقیق پیشنهاد می‌شود با تقویت عوامل فرهنگی درونی تاثیرگذار بر حجاب و نظام آموزشی مطلوب، ارزش‌ها و هنجارهای پوشش مناسب در جامعه ترویج داده شود. همچنین باید به این نکته توجه کرد که کنترل‌های رسمی و اجبار اجتماعی تاثیر موثری بر فرهنگ حجاب و پوشش ندارد و بهتر است که از عوامل کنترل غیررسمی استفاده شود. به طوری که حجاب در میان افراد جامعه درونی شود و افراد جامعه بدحجابی را امری زشت، قبیح و خلاف ارزش‌ها بدانند و تحت تاثیر فشار اجتماعی و نظارت غیررسمی، فرهنگ پوشش و حجاب اسلامی را حفظ کنند. از دیگر پیشنهادها تحقیق عبارتند از: نظارت موثر برای فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی به منظور توسعه فرهنگ عفاف و پرهیز از تبلیغ و ترویج روابط ناصحیح اجتماعی، پرهیز از ترویج لباس‌های نامناسب، استفاده از مدل‌های مبتدل و نمایش مظاهر غریب‌دگی در جامعه (صفرزاده، ۱۳۸۹، ۷۰)، اعمال شیوه‌های تربیتی موثر همانند روش الگویی در دوران کودکی و نوجوانی، تلاش برای شناخت صحیح از دین و بزرگان دینی، تاکید بر آموزش منطقی و عقلانی دین، تاکید آموزش و پرورش بر آموزش‌های دینی و ...

## منابع

- ۱- آقایانی چاوشی؛ اکبر و همکاران (۱۳۸۹)، دیدگاه جوانان و میانسالان در مورد حجاب برتر، *مجله علوم رفتاری*، دوره ۴، شماره ۱.
- ۲- احمدی؛ خدابخش و همکاران (۱۳۸۹)، رابطه اعتقاد به حجاب و آسیب‌پذیری فردی، خانوادگی و اجتماعی، *مجله علوم رفتاری*، دوره ۴، شماره ۲.
- ۳- بیکر؛ ترز (۱۳۸۶)، *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*، ترجمه: هوشنگ ناییبی، تهران، نشرنی.
- ۴- پیروانی‌نیا؛ پونه، پیروانی‌نیا؛ پگاه (۱۳۸۹)، حجاب در نگرش دانش‌آموزان دختر دبیرستانی و رابطه آن با میزان رشد مهارت‌های اجتماعی، *آموزش معارف اسلامی*، دوره بیست و دوم.
- ۵- حسن‌زاده؛ حبیب‌الله (۱۳۸۷)، *مقایسه بین نظرسنجی پیمایشی و نظرسنجی الکترونیکی*، مجموعه مقالات اولین سمینار تخصصی نظرسنجی الکترونیکی، مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران.
- ۶- خسروی؛ علی‌رضا (۱۳۸۷)، *درآمدی بر مشاهده افکار با روش‌های نوین*، مجموعه مقالات اولین سمینار تخصصی نظرسنجی الکترونیکی، مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران.
- ۷- خلجی؛ حسن (۱۳۹۰)، شیوه‌های موثر نهادینه کردن حجاب در کودکان و نوجوانان، *پژوهش‌نامه مطالعات اسلامی زنان و خانواده*، شماره ۸.
- ۸- زارعیان؛ داوود (۱۳۸۷)، *جایگاه سنجش افکار عمومی الکترونیکی در درواپ عمو*، مجموعه مقالات اولین سمینار تخصصی نظرسنجی الکترونیکی، مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران.
- ۹- زین‌آبادی؛ مرتضی (۱۳۸۶)، *جامعه‌پذیری حجاب*، *مجله کتاب زنان*، سال دهم، شماره ۳۸.
- ۱۰- زین‌آبادی؛ مرتضی (۱۳۸۵)، تحلیل ثانویه دو پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (بررسی رابطه نگرش مذهبی و نگرش‌های جنسی با الگوهای خانوادگی)، *فصلنامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان*، سال هشتم، شماره ۳۱.

- ۱۱- صفرزاده؛ سحر(۱۳۸۹)، نقش حجاب زنان در سلامت روانی اجتماع و راهکارهای مقابله ای با فرهنگ بدحجابی، مجله زن و فرهنگ.
- ۱۲- طرح نظرسنجی (۱۳۹۰)، طرح نظرسنجی از مردم تهران درباره نوع نگرش آنان به وضعیت حجاب و عفاف در جامعه، مرکز افکارسنجی و رصد فرهنگی، ویرایش سوم.
- ۱۳- علوی؛ سیداحمدرضا علوی، حجتی؛ رضیه (۱۳۸۶)، عوامل موثر بر بدحجابی دختران دانشگاه شهید باهنر کرمان، تربیت اسلامی، سال دوم، شماره ۴.
- ۱۴- غروی نائینی؛ نهل، عامری؛ وحیده (۱۳۸۶). پویایی در معنا و مفهوم حجاب، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال نهم، شماره ۳۶.
- ۱۵- کافی؛ مهدی امیر (۱۳۸۸)، بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه تحقیقات علوم اجتماعی ایران، شماره اول.
- ۱۶- کلانتری؛ خلیل (۱۳۸۹)، پردازش و تحلیل داده ها در تحقیقات اجتماعی- اقتصادی با استفاده از نرم افزار SPSS، انتشارات فرهنگ صبا.
- ۱۷- محبوبی منش؛ حسین (۱۳۸۶)، تحلیل اجتماعی مساله حجاب، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال دهم، شماره ۳۸.
- ۱۸- واس.دی.ای.د. (۱۳۸۴)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه: هوشنگ ناییبی، تهران، نشرنی.
- ۱۹- وحدتی؛ سهیلا (۱۳۸۵)، نقش حجاب در نابرابری حجاب، بازتاب اندیشه.
- ۲۰- یزدخواستی؛ بهجت (۱۳۸۶)، حجاب زنان با رویکرد جامعه شناسی، مجله کتاب زنان، شماره ۳۸.

1- Yasin- Nooraishah (2006). **Attitudes towards the Hijab: with specific reference to healthcare personnel and students**, Faculty of Health Sciences, The University of Adelaide.